

1-Review

Context

حدس بزن دیروز کی رو دیدم؟

Guess who I saw yesterday?

در ترم 2 مانند ترم 1 مکالمه ها را حفظ نکن
بلکه با قالب های هر درس خودت یک مکالمه
داستانی جدید بساز

داشتم کنار خیابون راه می رفتم، با خودم فکر می کردم حدس بزن چشمم به کی افتاد؟

I was walking along the street, thinking **to** myself, guess who I ran into?

فکر نمی کنم یادم بیادش، کی منظورت؟

I don't think I remember her, who do you mean?

احتمالاً من رو با همکارم اشتباه گرفتی.

You must have confused me with my colleague.

نزدیک بود یادم بره، بذار یه چیزی بهت بگم.

I was about to forget, **let me tell you something**.

بذار همکارم رو بهت معرفی کنم. دو ساله باهم همکاری می کنیم.

Let me introduce my colleague. We have been cooperating together for 2 years.

حدس بزن کی رو دیدم؟

Guess who I have seen?

می شه یه لطفی در حق من بکنی؟ می شه یه توضیحی در موردش بدی؟ اسمش خیلی آشناست ولی قیافه اش یادم نمی آد.

Could you **do me a favor**? Could you **identify** her? The name rings a bell but I can't put a face to it.

این همونیه که استخدامت کرد.

She is the one who employed you.

حالا یادم می آد، چی کارها می کنه؟

Now I remember her, how is she doing?

طبق معمول روزها می آد و می ره.

As usual day in day out

من تازه رسیدم اینجا، بذار حرفم رو بزنم.

I have just arrived here, let me have my say.

چرا در رو باز نمی کنی؟ داشتم خفه می شدم.

Why don't you open the door, I almost **stifled**.

نزدیک بود اشتباه کنم.

I was about to make a mistake.

داشتم اشتباه می کردم.

I almost made a mistake.

حدس بزن توی مهمونی دیشب کی رو دیدم؟

Guess who I saw at the party last night?

می شناسمش؟

Do I know him?

حتماً یادت می آدش، بذار یه توضیح در موردش بدم.

Surely you remember him, let me **describe** him.

همونی که ده بار ازت خواستگاری کرد.

He is the one who **proposed to** you 10 times.

حالا یادم می آدش.

Now I remember her.

چیز زیادی هم گفت؟

Did she say much?

متأسفانه، دیشب وقت کافی نداشتم، دو دقیقه یه **گپی** زدیم.

Unfortunately, I didn't have time last night; we **had a chat** for 2 minutes.

حدس بزن کی رو دیدم؟

Guess who I have seen?

فکر نمی کنم یادم بیادش.

I don't think I remember him.

حتماً یادش می آید.

Surely you remember him.

همونی که توی اون معامله سرت کلاه گذاشت.

She is the one who deceived you in that deal.

الان یادم می آیدش، دوساله دنبالش می گردم.

Now I remember him, I have been looking for him for 2 years.

بذار حرفم رو بزنم.

Let me have my say.

بذار نفسم در بیاد.

Let me get my wind.

من شام نخوردم.

I haven't eaten dinner.

نزدیک بود چپ کنم.

I was about to turn over.

پیتر تویی؟ نزدیک بود با ی نفر دیگه اشتباهت بگیرم.

Peter is that you? I was about to confuse you with somebody else.

داشتم تصادف می کردم.

I almost had an accident.

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی داری؟ سؤالی ندارم. شروع کنیم.

Shall we start? Let's start. Have you got any questions? I haven't got any questions. Let's start.

Vocabulary

خفه شدن

Stifle/ to be choked not to be able to breathe of the air or whether inside somewhere close

دم کرده/ خفه

Stuffy

بذار نفسم در بیاد.

Let me get my wind.

بذار حرفم رو بزنم.

Let me have my say.

اسمش خیلی آشناست ولی قیافه اش یادم نمی آد.

The name rings the bell but I can't put a face to it.

2-It's been really nice seeing you

Context

چه خبره؟

What's up?

what is up != any news

چه خبر != چه خبره؟

سمت چپی مال وقتیکه که مثلا میبینی تو اتاق سر و

صدا و جنجاله از دوستت میپرسی چه خبره؟

ایراد واتساپ اینه که انعطاف پذیری نداره

what is up from Peter? این جمله غلطه

جملاتی برای پر بار کردن سلام و خداحافظی

جملات بعد از سلام یا بعد/قبل از خداحافظی

این جمله رو به یکنفر فقط یکبار میشه گفت

این جمله رسمی است و مثلا وقتی همکاراتو هر روز میبینی نمیتونی بهشون

اینو بگی

اما جملات این درس محدودیت ندارند و همیشه و برای همه کس میشه گفت

استاد: این جمله رو معنی نکن(محرک ضعیفی

داره). فقط بدون در این شرایط باید بگیش!

یک جمله شیک و قشنگ برای گفتن بعد از سلام

هم عامیانه هم رسمی است

برای ابراز احساسات مثبت نسبت به طرف مقابل

دیدنت چقدر خوبه!

It's really nice seeing you?

It's really nice to see you?

It has been really nice seeing you.

Hello, it's really nice seeing you.

short answer:
yes it is/has.

Bye, bye, it has been really nice seeing you.

ما هشت جمله قراره یاد بگیریم

چهار تای اول در این درس: هیچ نکته گرامری خاصی نداره

و باید حفظ شن

مورد 1 و 2: بعد از سلام

مورد 3: بعد از خداحافظی

it was really nice seeing you. کاربرد

متفاوتی دارد: مثلا دوست از خارج اومده پیش و بعد

دوباره برگشته خارج. بهش زنگ میزنی این جمله رو میگی

خیلی خوشحال شدم باهات صحبت کردم.

It's really nice speaking with you

مناسب پای تلفن برای سلام

خیلی خوشحال شدم باهات صحبت کردم.

It's been really nice speaking with you

مناسب پای تلفن برای خداحافظی

سعی کن این قالب ها رو به

hello and goodbye

بجسبونی و همیشه باهم بگی

فکر می کنم که بهتره الان برم.

I think I should be going now.

خوشحالم که بهم بر خوردیم.

I am glad, we bumped into each other.

خیلی خوشحالم که بعد از ده سال بهم برخورد کردیم.

I am glad; we bumped into each other after 10 years.

خوش گذشت.

جملاتی کنار خداحافظی

We had a good time.

گپی که با هم داشتیم روزم رو ساخت.

It really made my day having a chat together.

قدم زدن، روزم رو ساخت.

It really made my day walking together.

مشروبی که خوردیم و گپی که با هم زدیم روزم رو ساخت.

It really made my day having a drink and a chat together.

دیشب موندن پیشته، روزم رو ساخت.

It really made my **day** staying with you last night.

با شما بودن روزمون رو ساخت.

It really made our day being with you.

با هم شنا رفتن روزم رو ساخت.

It really made my day going swimming together.

پیاده روی رفتن

Go walking

شنا رفتن

Go swimming

اسکیت رفتن

Go skating

تمام تفریحات

go + ving

swimming != go swimming

سمت راستی شنا تفریحی

سمت چپی شنا غیر تفریحی

می دونی؟

You know?

ساخت جمله سوالی:

سوالی کردن جمله از لحاظ گرامری (راه اول)

جمله خبری + لحن سوالی (راه دوم)

اینجا میمونی؟

تعطیلات

You are staying here on holiday?

می خوایی استعفا بدی؟

You are gonna resign?

الان فکر می کنم بهتره برم

I think I should be going know.

بهتره **الان** به پیتر زنگ بزنم.

I **should be** calling Peter.

اشتباه رایج زبان آموزا

should

به معنی "باید" نیست

به معنی "بهتر است" یعنی یک "باید" بسیار ضعیف و بدون اجبار

should be + ving بهتره کاری رو همین الان انجام بدی

کدینگ: تویی و وینگ نشان دهنده انجام کار در همین الان است

should + base form بهتره کاری رو در آینده انجام بدی

بهتره الان شام رو بکشم.

I should be serving dinner.

بهتره بعد از شام برم.

I should go after dinner.

بهتره به پیتر زنگ بزنم.

I should call Peter.

بعد از فیلم شام بخوریم؟

Shall we eat dinner after the film?

بهتره شام بخوریم.

We should eat dinner.

می بایست شام می خوردم.

I should have eaten dinner

should, should be != should have p.p.

می بایست انجامش می دادم.

I should have done it.

شمارت رو دارم، بهت زنگ می زنم.

I have got your number; I am calling you.

مراقب خودت باش.

Take care

مراقب خودت باش (آمریکایی)

So long

Vocabulary

اجباری

Obligatory

از حفظ

On my heart

Conversation text

A: It's been really nice seeing you again

شروع مکالمه از زمانی است که دو طرف دارن از هم خداحافظی میکنند

B: Yes, it has.

A: I am glad, we bumped into each other.

B: Me too.

A: You know, I think, I should be going now. I've to get this car back to the rental agency by 2 o'clock.

B: Actually, I should be going too.

A: Let's get together soon.

B: Ok, I am calling you.

A: I've to get this car back to rental agency.

B: Actually, I should be going too.

A: Let's get together soon.

B: Ok, I'm calling you.

A: So, take care.

3-I think I should be going now

Context

get گرفتن

get back برگرداندن

من مجبورم که این ماشین رو قبل از ساعت 4 به آژانس اجاره خودرو بر گردونم.

I've to **get** this car **back** to the **rental agency** by 4.

باید رژیم بگیری.

You must go on a diet.

have to مجبور بودن

must باید

من مجبورم.

I have to

تو مجبوری.

You have to

پدرت مجبوره.

Your father has to

خواهرت مجبوره.

My sister has to

دخترت مجبوره.

My daughter has to

تفاوت ها:

اولی اجبار از خارج است (مثل قوانین اداره و مدرسه که باید رعایت کنی)

دومی اجبار از داخل است (مثلا خودت خودت رو مجاب میکنی، مثل رژیم گرفتن)

تفاوت محرک ها، تفاوت مفهومی رو هم تو خودش شامل میشه

مجبوری؟

Do you have to?

فعل کمکی نیست که ازش برای have
سوالی یا منفی کردن استفاده کنی

مادرت مجبوره؟

Does your mother have to?

برادرت مجبوره؟

Does your brother have to?

بچه هات مجبورند؟

Do your children have to?

مجبور بودم.

I had to

برادرم مجبور بود.

My brother had to

بچه هام مجبور بودند.

My children had to

همکارم مجبور بود.

My colleague had to

مجبور بودی؟

Did you have to?

برادرت مجبور بود؟

Did your brother have to?

دیروز این کتاب رو قرض گرفتم باید تا ساعت 2 به کتابخونه برش گردونم.

I borrowed this book from the library yesterday; I have to get it back to the library by 2 o'clock.

یه سری مهمون دعوت کردم، چیزی هم درست نکردم، مجبورم سر راهم از سوپر مارکت یه چیزایی بخرم.

I have invited some guests, I haven't cooked any thing, and I have to buy something at the supermarket on the way.

امتحان دارم، چیزی نخوندم، باید تا نصف شب بیدار بمونم و درس بخونم.

I have got an exam, I haven't studied anything, I have to burn the midnight oil and study.

= stay awake

پسرم دو ساعته توی مدرسه منتظره، مجبورم قبل از ساعت 2 برم از مدرسه بردارمش.

My son has been waiting for me at school for 2 hours; I have to pick him up at the school by 2.

فکر کنم بهتر باشه من برم الان

I think I should be going now.

چطور مگه؟

Why is that?

چرا اینجا نمی مونی؟

Why don't you stay here?

خانمم ماشین نداره، مهمونی هست، قبل از یازده مجبورم برم دنبالش از مهمونی بیارمش.

My wife hasn't got a car, she is at the party, I have to pick her up at the party by 11.

مجبورم پسرم را قبل از ده به مدرسه برسونم.

I have to drop my son off at school by 10.

drop off != pick up

مجبورم قبل از ساعت 8 دخترم رو برسونم مهد کودک.

I have to drop off my daughter at the kinder garden by 8 o'clock.

می دونی؟ فکر می کنم بهتره برم الان

You know, I think I should be going now.

مجبورم با پدرم صحبت کنم.

I have to speak with my father.

مجبورم با پدرم صحبت کنم، قبل از اینکه پدرم بیاد.

I have to speak with my father before he comes.

مجبورم تمام این نامه ها رو قبل از اینکه ریسم برسه تایپ کنم.

I have to type all these letters before my boss arrives.

برادرم گند زده به مهمونی، مجبورم ته و تویی مساله رو در بیارم قبل از اینکه مادرم بفهمه.

My brother has crashed the party; I have to probe this matter before my mother understands.

والله، منم بهتره برم.

Actually, I should be going too.

همدیگه رو ببینیم.

Let's **get together** soon برای دیدار حضوری

با هم در تماس باشیم.

Let's keep in touch برای تماس تلفنی یا رابطه آنلاین

شمارتو دارم بهت زنگ می زنم.

Ok, I've got your number, I'm calling you.

دست علی به همراهت.

So long. مراقبت کردن take care of
مراقب خودت باش. مترادف خداحافظ است take care

Vocabulary

برگرداندن

Get back

پس دادن

Return

بیدار

Awake

دنبال کسی رفتن

Pick up

کسی رو رساندن

Drop off

واقعاً

Actually

خیریه، صدقه

Charity

باید تا نصف شب بیدار بمونم و درس بخونم.

I have got burn the mid night oil and study.

برادرم گند زده به مهمونی، مجبورم ته و تووی ماجرا رو در بیارم.

My brother has crushed the party; I have to probe this matter

ببینیم همدیگه رو (دیداری)

Let's get together soon.

با هم در تماس باشیم (تلفنی، ایمیلی)

Let's keep in touch.

Proverb

چراغی که به منزل رواست به مسجد حرام است.

Charity always begins at home.